

بازتاب شاهنامه در تاریخ جهانگشای جوینی

مرتضی مقصودی*

ابوالقاسم رادفر**

چکیده

در مقاله حاضر سعی شده است اشعار شاهنامه، مندرج در تاریخ جهانگشای جوینی، در دو بخش بررسی و از حیث لفظ و مضمون با شاهنامه تطبیق شود و مطابقت یا اختلاف و مغایرت این ابیات با شاهنامه بیان شود.

در بخش اول، به میزان ابیات شاهنامه شیوه درج آن‌ها در تاریخ جهانگشای جوینی با ذکر عنوان داستان‌های شاهنامه که این اشعار از آن‌ها انتخاب شده و نیز به نبود تعداد معدودی از این ابیات در شاهنامه اشاره شده است و ضمن تطبیق ابیات با نسخ چاپی خالقی مطلق، مسکو، ژول مول و نسخه‌بدل‌های آن‌ها، برخی از اشعاری که با شاهنامه مغایرت دارند، به عنوان نمونه، ذکر شده است.

در بخش دوم، درباره کاربرد ابیات از حیث مضمون و تطبیق محتوایی با داستان‌های شاهنامه بحث و ضمن ذکر برخی از مضامین مهم و نقل بخش‌هایی از متن جهانگشا، پیوند لفظی و معنوی اشعار با نثر بررسی و به رابطه پیوستگی یا گسستگی لفظی شعر با نثر اشاره شده و در پایان نتایج حاصل از این پژوهش بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، تاریخ جهانگشا، فردوسی، عظاملک جوینی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین پژوهش‌ها بعد از تصحیح متون و میراث گذشتگان و حل مشکلات لغوی آن‌ها، استخراج مسائل و عناصر مختلف فرهنگی همچون مسائل کلامی،

* کارشناس ارشد ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد بندر عباس (نویسنده مسئول)

Morteza.maghsoudi1349@gmail.com

** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۵، تاریخ پذیرش: ۸۹/۲/۱۰

فلسفی، عرفانی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی و ادبی است. آثار گذشتگان به دلیل احتوا بر این عناصر، ارزش وافر دارند؛ به ویژه آنکه قوم ایرانی، همه اندیشه، تفکر و دستاورد خود را در شعر و این متون گرانقدر گنجانده است. از این رو، در هر تلاشی برای شناخت گذشته، باید به متون گذشته و شعر شاعران روی آورد.

از این منظر، تاریخ جهانگشای جوینی اثر علاءالدین عطاملک بن بهاءالدین محمد جوینی، یکی از آثار ارزشمندی است که در قرن هفتم هجری تألیف شده و مشتمل بر سه مجلد در تاریخ چنگیزخان مغول و اعقاب او، تاریخ خوارزمشاهیان و اسماعیلیان است. این اثر، علاوه بر ارزش تاریخی، به لحاظ ادبی نیز اهمیت به‌سزایی دارد. سبک جهانگشای جوینی، متکلف و مملو از اشعار عربی و فارسی است؛ و مؤلف در تأثیرپذیری از اشعار فارسی، به فردوسی و شاهنامه توجه خاص داشته و از این طریق بر میزان تأثیرگذاری سخن و کلام مثنوی خود افزوده است.

اشعار بسیاری از فردوسی در این کتاب هست که گاه با نسخه‌های شاهنامه متفاوت است بررسی و تطبیق این اشعار با نسخه‌های چاپی در تصحیح شاهنامه مفید است؛ همچنین، با توجه به گلچین اشعار شاهنامه که متناسب با مضمون و موقعیت متن در تاریخ جهانگشا به‌کار رفته است، معلوم می‌شود کدام اشعار بیشتر در ذهن و زبان مردم آن روزگار رواج داشته است، ضمن اینکه با این بررسی، به تبیین نحوه تجلید شاهنامه کمک می‌شود. لذا در این مجمل سعی شده است اشعار فردوسی در این اثر تاریخی - ادبی از زوایای مختلف تحقیق و بررسی و با متن شاهنامه تطبیق شود. شایان ذکر است که در این مقاله، برای سهولت کار در ارجاع ابیات و شواهد، تاریخ جهانگشای جوینی با علامت اختصاری «تج» و نسخه‌های چاپی جلال خالقی مطلق - که اساس کار در این پژوهش است - مسکو و ژول مول از شاهنامه به ترتیب با علامات اختصاری «خ»، «مس»، و «م» نشان داده شده‌اند و پس از آن جلد و صفحه با خط مورب تفکیک شده است.

الف) میزان و شیوه درج اشعار فردوسی در تاریخ جهانگشای جوینی و تطبیق آن‌ها با شاهنامه

به‌طور کلی در این اثر حدود نود بیت از شاهنامه به‌کار رفته است. این ابیات اغلب در مجلدهای اول و دوم درج شده‌اند و یک بیت در مجلدهای اول و سوم تکرار شده است:

کنون خورد باید می خوشگوار که می بوی مشک آید از جویبار

(تج ۱/۱۴۵، تج ۳/۲۵)

ابیات شاهنامه در تاریخ جهانگشا، بیشتر از داستان‌های رستم و سهراب و رستم و اسفندیار است به طوری که از داستان رستم و سهراب ۳۷ بیت و رستم و اسفندیار ۲۷ بیت در این کتاب درج شده و بقیه ابیات نیز اغلب مربوط به بخش‌های رزمی و حماسی شاهنامه است. از پادشاهی منوچهر (آمدن سام به نزد منوچهر) سه بیت به طور متوالی، پادشاهی گشتاسب (به بلخ رفتن لهراسب و بر تخت نشستن گشتاسب دو بیت متوالی، آمدن لشکر ارجاسب به بلخ و کشتن لهراسب یک بیت)، از داستان کاموس کشانی دو بیت غیرمتوالی، بیژن و منیژه دو بیت غیرمتوالی، داستان رستم با خاقان چین سه بیت غیرمتوالی، داستان جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب دو بیت غیرمتوالی، پادشاهی فریدون دو بیت غیرمتوالی، داستان دوازده رخ، نبرد رستم با اکوان دیو، پادشاهی نوزد، کیقباد، اسکندر، هرکدام یک بیت و از پادشاهی یزدگرد (نبرد رستم با سعد و قاصص) هم سه بیت متوالی به کار رفته است.

در باب سبک و شیوه درج ابیات باید گفت اکثر ابیات به صورت تکبیت به تناسب معنی و مضمون کلام در متن به کار رفته‌اند و در برخی موارد از دو الی سه بیت نیز به عنوان شاهد مثال، استفاده شده است. این ابیات اغلب به یک داستان مربوط‌اند و به طور پیوسته و متوالی ذکر شده‌اند:

مکن شهریارا جوانی مکن چنین بر بلا کامرانی مکن
مکن شهریارا دل ما نژد میاور به جان من و خود گزند

(تج ۲/۱۰۳)

هر دو بیت بالا مربوط به داستان رستم و اسفندیار است.

چو زان لشکر گشن برخاست گرد رخ نامداران ما گشت زر
من آن گرز یک زخم برداشتم سپه را همانجای بگذاشتم
خروشی خروشیدم از پشت زین که چون آسیا شد بریشان زمین

(تج ۲/۱۰۳)

هر سه بیت، درباره پادشاهی منوچهر (آمدن سام به نزد منوچهر) است.

گاهی ابیات از دو داستان متفاوت، به صورت پیوسته ذکر شده‌اند، و این کاربرد در دو مورد صورت گرفته است:

خبر شد به نزدیک افراسیاب که افکند سهراب کشتی بر آب
ز لشکر گزین شد فراوان سوار جهان دیدگان از در کارزار

(تج ۲/۱۳۶)

بیت اول داستان رستم و سهراب (فرستادن افراسیاب بارمان و هومان را به نزدیک سهراب) و بیت دوم داستان رستم و اسفندیار (پاسخ دادن گشتاسب پسر را) مربوط است.

که آن شاه در جنگ نراژدهاست دم آهنج بر کینه ابر بلاست
شود کوه خارا چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب

(تج ۱۳۹ / ۲)

بیت اول پادشاهی کیقباد (جنگ رستم با افراسیاب) و بیت دوم جنگ کیخسرو با افراسیاب (آمدن پشنگ نزدیک افراسیاب) مربوط است؛ و عظاملک جوینی این ابیات را از داستان‌های متفاوت به تناسب کلام در نثر خود به گونه‌ای به کار برده که پیوند معنایی آن‌ها کاملاً حفظ شده است.

در باب تطبیق اشعار فردوسی مندرج در تاریخ جهانگشا با شاهنامه، نمونه‌های زیر جالب توجه است: یک بیت که خود مؤلف آن را از زبان فردوسی نقل کرده است، در شاهنامه (نسخه‌های چاپی مذکور) یافت نشد:

... و در این حالت، روان فردوسی - که به رایحه‌ای از روایح فردوس مخصوص باد در این معنی که گویی صورت این حال راست، گفته است:

چون از سرو بن جای گردد تهی بگیرد گیا جای سرو سهی

(تج ۲۰۵ / ۲)

بیت مشابه آن از حیث قرابت معنایی در شاهنامه بدین گونه است:

که چون برکنند از چمن بیخ سرو سزد گر گیا را نبوید تذرو

(خ ۱۶۶ / ۲)

بیت دیگری که با بیت قبل از خود کاملاً تناسب لفظی و معنایی دارد، در چاپ‌های مذکور وجود ندارد:

بدین گونه گردد همی چرخ پیر گهی چون کمان است و گاهی چو تیر
گهی مهر و نوش است و گه کین و زهر بدین سان بود چرخ گردنده دهر

(تج ۱۸۹ / ۲)

بیت اول در پایان داستان جنگ رستم با اکوان دیو آمده است؛ اما بیت دوم به این صورت در نسخه‌های چاپی مذکور وجود ندارد. نزدیک‌ترین بیتی که با آن قرابت لفظی و معنایی دارد، در چاپ ژول مول و در داستان خاقان چین آمده است:

مرتضی مقصودی و ابوالقاسم رادفر ۱۰۵

چنین بود تا بود گردان سپهر گهی نوش و مهر و گهی کین و زهر

(م ۷۳۹/۳)

این بیت در چاپ‌های «خ» و «مس» چنین آمده است:

چنین بود تا بود گردان سپهر گهی جنگ و کین و گهی شهد و مهر

(خ ۲۳۸/۳)

چنین بود تا بود گردان سپهر گهی جنگ و زهر است و گه نوش و مهر

(مس ۲۵۴/۴)

دو بیت دیگر نیز فقط مصراع اول آن‌ها وجود دارد و مصراع دوم این ابیات به گونه‌ای دیگر است که در شاهنامه یافت نشد:

چو دیدند ایرانیان روی او برفتند یکبارگی سوی او

(تج ۱۷۰/۲)

اگر صد بمانی و گر صد هزار همین است روز و همین است کار

(تج ۲۴۲/۲)

بیت اول در داستان رستم و سهراب به صورت زیر آمده است:

چو دیدند ایرانیان روی او همه بر نهادند بر خاک روی

(خ ۱۸۹/۲)

بیت دوم که در اواخر پادشاهی اسکندر آمده است، در متن «خ» نیست و در نسخه بدل‌های آن و متن «مس» چنین ذکر شده است:

اگر صد بمانی و گر صد هزار به خاک اندر آید سرانجام کار

(مس ۱۱۱/۷)

بیت دیگری از داستان رستم و اسفندیار که به صورت پیوسته و متوالی با دو بیت دیگر به کار رفته است، در متن هیچ‌کدام از چاپ‌های مذکور وجود ندارد و فقط در نسخه بدل‌ها به آن اشاره شده است که اندکی با بیت جهانگشا تفاوت دارد:

همی گفت و می کرد از آن سو نگاه که رستم همی رفت جویان راه

(تج ۱۰۷/۱)

همی گفت و می کرد از آن سو نگاه که رستم همی رفت چونان به راه

(خ ۳۹۱/۵)

با ژرف‌اندیشی در اشعار فردوسی مندرج در تاریخ جهانگشای جوینی و تطبیق آن‌ها با

شاهنامه می‌توان گفت که اغلب ابیات با شاهنامه مطابق است؛ تفاوت‌های جزئی ناشی از اختلاف نسخ است و اغلب این تفاوت‌ها با نسخه بدل‌ها همخوانی دارد. اما آنچه درخور توجه است و جای تأمل و بحث دارد، ابیاتی است که در شاهنامه وجود ندارد و مشابه آن‌ها یا یک مصرع از آن‌ها موجود است یا اختلاف و تفاوت‌های واژگانی دارند که این تفاوت‌ها با نسخه بدل‌ها همخوانی ندارد و فقط در تاریخ جهانگشای جوینی بدین صورت ثبت شده و به‌کار رفته‌اند.

همچنین در زیر، به‌عنوان نمونه، برخی از ابیات که با متن و حتی نسخه بدل‌های شاهنامه تفاوت‌های واژگانی دارند، بررسی و با این اثر گرانقدر تطبیق داده شده‌اند:

وقتی خبر تصرف قلاع، حرم و خزاین یکی از سلاطین خوارزمشاه و کشته‌شدن فرزندانش به‌دست مغولان به او می‌رسد، جوینی در توصیف حالت سلطان، بیت زیر را می‌آورد:

چو بشنید سلطان سرش خیره گشت جهان پیش چشم اندرش تیره گشت

(تج ۱۱۶۲)

در تراژدی رستم و سهراب، آنگاه که رستم فوراً تیغ تیز از میان برمی‌کشد و «بر شیر بیداردل» را می‌درد، سهراب به خود می‌پیچد، آهی از نهاد برمی‌آورد و با رستم سخن می‌گوید؛ و وقتی رستم حرف‌های او را می‌شنود، حکیم توس در وصف حالت رستم چنین می‌سراید:

چو بشنید رستم سرش خیره گشت جهان پیش چشم اندرش تیره گشت

(خ ۱۸۶۲)

یا در داستان رستم و اسفندیار، وقتی بهمن برای رساندن پیغام به نزد رستم می‌رود، رستم را در نخجیرگاه می‌بیند، نره گوری بر درخت زده «نهاده بر خویش کوپال و رخت» و ...

بدل گفت بهمن که این رستم است و گر آفتاب سپیده دم است

(خ ۳۱۹/۵)

این بیت در جهانگشای جوینی چنین آمده است:

همی گفت هرکس که این رستم است و یا آفتاب سپیده دم است

(تج ۱۷۴/۲)

به‌نظر می‌رسد تفاوت و اختلافی که در مصرع اول وجود دارد، به‌دلیل تغییر عمدی و آگاهانه جوینی باشد که با توجه به داستان تاریخی و وقایعی که بیان می‌کند و توصیف ابهت و شجاعت سلطان جلال‌الدین به تناسب کلام و اقتضای مفهوم داستان، این تغییر را پدید آورده است. این بیت در هیچ‌کدام از نسخ شاهنامه بدین شکل نیامده و با توجه به سیاق داستان و ابیات قبل و بعد که در آن‌ها مشاهدات بهمن از رستم توصیف شده است، نمی‌تواند بدان‌گونه که جوینی گفته است، باشد.

مرتضی مقصودی و ابوالقاسم رادفر ۱۰۷

گاهی نیز این تغییرات به تناسب کلام و اقتضای داستان، با تلفیق ابیات مشابه شاهنامه ایجاد شده است:

پدر شهریار است و ما بنده ایم به فرمان و رایت سرافکنده ایم

(تج ۱۴۳/۱)

در داستان رستم و اسفندیار چنین آمده است:

پدر شهریار است و من کهترم ز فرمان او یک زمان نگذرم

(خ ۳۱۶/۵)

ابیات مشابه دیگر در داستان‌های مختلف:

همه سر به سر مر ترا بنده ایم به فرمان و رایت سرافکنده ایم

(خ ۱۰۸/۴)

همه نامداران ترا بنده ایم به فرمان و رایت سرافکنده ایم

(خ ۲۴۶۷)

این ابیات در تمامی چاپ‌ها همین گونه‌اند؛ و بیت جهانگشای جوینی با هیچ‌کدام از آن‌ها و نسخه‌بدل‌ها مطابقت ندارد.

نمونه‌ای دیگر:

یکی نیزه زد بر کمر بند او که بگسست خفتان و بر بند او

(تج ۱۷۳/۲)

این بیت در شاهنامه (داستان‌های مختلف) چنین آمده است:

یکی نیزه زد بر کمر بند او که بگسست پی‌ها و پیوند او

(خ ۳۰۶/۱)

یکی نیزه زد بر کمر بند او بدرید خفتان و پیوند او

(خ ۲۳۳/۳)

یکی نیزه زد بر کمر بند او که بگسست زیر زره بند او

(خ ۳۸۷/۲)

مصرع دوم بیت جهانگشا عیناً در هیچ نسخه‌ای نیست؛ و در واقع این مصرع، تلفیقی از مصرع دوم ابیات مشابهی است که در داستان‌های مختلف شاهنامه با اندکی اختلاف تکرار شده و به دلیل همین تشابه و تکرار، این تلفیق و ترکیب شاید به‌طور ناخودآگاه در ذهن مؤلف صورت گرفته و به تناسب کلام از آن در متن استفاده شده است.

بنابراین، وجود این گونه ابیات ما را به تأمل وامی دارد که علت این تفاوت‌ها چیست. آیا نسخ دیگری از شاهنامه وجود داشته که این ابیات بدین گونه در آن‌ها ثبت شده بوده و این نسخ از بین رفته‌اند؟ آیا نویسنده خود، به اقتضای کلام و تناسب داستان، در ابیات شاهنامه آگاهانه و عمدتاً تغییر ایجاد کرده و این اشعار و واژگان مغایر، تراوش قریحه شعرسرایی است؟ آیا این تفاوت‌ها بر اثر خطای ذهن نویسنده است که بدون شک سرشار از اشعار شاهنامه بوده است؟ و سؤالاتی از این قبیل که مبین دلیل این اختلافات باشد.

ب) تطبیق مضامین اشعار فردوسی در تاریخ جهانگشا با داستان‌های شاهنامه و بررسی ارتباط لفظی و معنوی شعر با نثر

از آنجا که نویسندگان این دوره به آرایش ظاهر کلام توجه زیادی داشته‌اند، به طوری که در کتب تاریخی، نویسنده، گاه تاریخ‌نویسی را رها کرده و رشته سخن خود را به توضیحات شاعرانه کشانیده و به اقتضای کلام برای ابراز هنر در نویسندگی از شواهد و امثال شعری استفاده کرده است، جوینی نیز به زیباترین وجه از این فن استفاده کرده است؛ و از آنجاکه جان‌مایه فکر و اندیشه او را پند و اندرزهای حکیم توس و داستان‌های حماسی و تاریخی شاهنامه تشکیل می‌دهد، در جای‌جای کتاب تاریخی-ادبی خود، به تناسب لفظ و معنی اشعار شاهنامه را، به زیبایی درج کرده و در خلال داستان‌های تاریخی و بیان حوادث و وقایع، نثر خود را با ابیات شاهنامه به لحاظ لفظ، مزین و به لحاظ مضمون و محتوی مستحکم کرده است. مضامین ابیات به کاررفته از شاهنامه در این کتاب عمدتاً عبارت‌اند از: مدح و ستایش، انعکاس اعمال انسان در دنیا، هشدار دادن، ماندگاری سخن، شادخواری و خوشگذرانی، توصیف حالات اشخاص، توصیف مکان، توصیف شب، وصف طلوع، خردمندی، توصیف صحنه‌های نبرد و حالات افراد در جنگ، نیکنامی، فرزند نیکو و خدمتگزار، شناخت حد و اندازه، شگفتی از کار جهان، بی‌وفایی دنیا و ناپایداری روزگار، خوی بد، قدرت شاه و حکومت فرد نالایق. تمامی ابیات از جهت مضمون با متن کاملاً مطابقت دارد و از حیث پیوند شعر با نثر از نظر لفظی و معنوی در متن دو نوع رابطه به چشم می‌خورد:

الف) از نظر لفظی، شعر از نثر جدا و گسسته و از جهت معنایی، برای توصیف یا تمثیل یا تأکید آمده است.

ب) از نظر لفظی، شعر به نثر پیوسته و از جهت معنایی، برای تکمیل نثر به کار رفته است. در این بخش با ذکر برخی از اهم مضامین مذکور و نیز قسمت‌هایی از نثر جهانگشا که

با شعر مرتبط است، تطبیق مضامین و ارتباط لفظی و معنوی ابیات شاهنامه با نثر جهانگشا مورد بررسی قرار می‌گیرد:

توصیف حالات اشخاص

ابیاتی که در توصیف حالات اشخاص به کار رفته است، کاملاً با متن مطابقت دارند و عمدتاً از نظر ارتباط لفظی به نثر پیوسته و از نظر معنایی مکمل نثر هستند:

پادشاهزادگان و نوینان و عموم خلقان:

گرازان به درگاه شاه آمدند گشاده‌دل و نیکخواه آمدند

و چون لوای نورانی آفتاب بر بام گنبد مینا افراخته شد و پادشاه جبار و شهنشاه کامکار
عزیمت خروج را از خلوت جای ساخته:

پپوشید زربفت شاهنشاهی به سر بر نهاده کلاه مهی

باخیلان عظمت و کبریای نخوت

خرامان بیامد ز پرده‌سرای درفش درفشان پس او پپای

و در بارگاه بر چهار بالش حشمت و جاه بنشست ... (تج ۲۰۸/۱)

بیت اول در داستان رستم و سهراب آنگاه که رستم در آمدن نزد شاه درنگ می‌کند و کاووس از تأخیر او خشمگین می‌شود، در توصیف حالت سواران و بزرگانی است که گرازان به درگاه کاووس می‌آیند. دو بیت دیگر در داستان «رستم و اسفندیار» در توصیف بهمن آمده است که حالت رفتن او را در رفتن به نزد زال در زاوولستان توصیف می‌کند. این ابیات در تاریخ جهانگشا نیز برای توصیف حالت افراد و بیان همین منظور به کار رفته و از نظر ارتباط لفظی، شعر به نثر پیوسته و از نظر معنوی، شعر، مکمل نثر است.

توصیف طلوع خورشید

ابیاتی که با مضمون وصف خورشید به کار رفته است، به تمام و کمال با متن مطابقت دارند و اغلب از جهت ارتباط لفظی و معنوی به نثر پیوسته و مکمل معنی نثر هستند.

«چون در اثنای آمد و شد رسل محال منجنیق محل نصب یافته بود و جرآلات آن به آسانی با یکدیگر ضمّ شده روز دیگر را:

جو خورشید آن چادر قیرگون بدریید و از پرده آمد برون

فرمان شد تا بر مدار قلعه هرکس بر مقابلهت مقاتلت آغاز نهادند...» (تج ۳/ ۱۳۱ - ۱۳۰) در شاهنامه ابیات فراوانی وجود دارد که طلوع خورشید و فرارسیدن روز در این ابیات به زیبایی به تصویر کشیده و توصیف شده است. در داستان «رستم و سهراب و آمدن دوباره رستم به درگاه کاووس پس از آراستن رامشگه شاهوار و باده‌نوشی تا نیمه‌شب و تدارک لشکر برای مقابله با سهراب»، با این بیت، طلوع خورشید به زیبایی وصف شده است. از نظر لفظی شعر به نثر پیوسته و از حیث معنایی تکمیل‌کننده مفهوم نثر است.

ستایش خداوند

ارجمند گرداننده بندگان از خواری، درپای افکننده گردن‌کشان از سروری، پادشاهی او راست زینده، و خدایی او راست درخورنده، بلندی و برتری از درگاه او جوی و بس، ... هستی هر چه نام هستی دارد، بدوست، نیک و بد و سود و زیان از اوست:

جهان را بلندی و پستی تویی ندانم چه‌ای هر چه هستی تویی

(تج ۲/۳ - ۱)

در شاهنامه در داستان «رستم با خاقان چین (گرفتارشدن خاقان)» آمده است که رستم خاقان را به بند می‌کشد و می‌گوید:

رسم روزگار چنین است، گاهی فراز و گاهی نشیب است ای جهان‌آفرین تو بهتر می‌دانی؛ شادمانی و غم، فزونی و کمی از توست ...

از حیث ارتباط لفظی، شعر از نثر جدا است و از جهت معنوی، این شعر در شاهنامه در ستایش خداوند است. و جوینی هم در «تحمیدیه» آغاز جلد سوم به همین منظور از آن استفاده کرده است و کاربرد آن‌ها با هم مطابقت دارد.

شناخت حد و اندازه

... و قآن دانست که در نظر موصل، مروارید را وقتی است؛ بفرمود تا صندوقی دراز آهنگ پر از دان‌های شاهوار حاضر کردند. رسول و حاضران از آن مدهوش شدند. قآن بفرمود تا در آن جشن، کاس شراب را که می‌گردانیدند، پر از مروارید می‌کردند تا تمامت بر حاضران قسمت شد:

چو قطره بر ژرف دریا بری به دیوانگی ماند این داوری

(تج ۱/۱۹۰)

در داستان «کاموس کشانی»، الوی زابلی - نیزه‌دار رستم - آماده جنگ با کاموس می‌شود. رستم به وی که «ز رستم هنرها بیاموخته»، می‌گوید: به هنرهای خود مغرور مباش. این ترک هوشیار است: از این بیت به عنوان ضرب‌المثل استفاده می‌کند و حد و اندازه‌الوا را در برابر کاموس به او یادآور می‌شود و او را با کاموس مقایسه می‌کند. در جهانگشا نیز جوینی از این بیت به‌عنوان تمثیل استفاده کرده است. از جهت ارتباط لفظی، شعر جدای از نثر و از نظر ارتباط معنوی، به منزله تمثیلی برای متن است.

ناپایداری روزگار

... و در آن وقت که چون چنگیزخان از بخارا با سمرقند آمده بود، متوجه سمرقند شدند و غایر را در کوک سرای کأس فنا چشانیدند و لباس بقا پوشانیدند:

چنین است کردار چرخ بلند به دستی کلاه و به دستی کمند

(تج ۶۶۱)

فرزانه توس در غم‌نامه «رستم و سهراب» پس از مرگ سهراب و هنگام مویدن رستم که بر جگرگوشه خود خون می‌ریخت و خاک می‌کند (همه جامه خسروی کرد چاک) و بزرگان او را پند و اندرز می‌دادند، با آوردن این بیت ناپایداری و بی‌اعتباری روزگار را به تصویر می‌کشد. در تاریخ جهانگشا هم پس از مرگ غایرخان، برهمین مفهوم تأکید می‌شود. از نظر ارتباط لفظی، شعر از نثر جدا و از جهت معنوی، توضیحی در عمل روزگار و ناپایداری بودن آن است.

وصف شب

در توصیف شب، چند بیت به‌کار رفته است که تمامی ابیات با متن مطابقت دارند و از نظر ارتباط لفظی، اشعار وصف شب با نثر پیوسته و از جهت معنایی مکمل نثر هستند:

و سلطان جلال‌الدین چون به شادیاخ رسید، دو سه روز به استعداد رفتن چنانک دست داد
مشغول بود تا ناگاه نیمه شبی که
نه آوای مرغ و نه هرای دد زمانه زبان بسته از نیک و بد

(تج ۱۳۳/۲)

بر مثال شهاب ثاقب بر مرکب توکل راکب گشت ...

این بیت در بخش آغازین داستان «بیژن و منیژه» در توصیف شب آمده و جوینی هم آن

را در وصف شب به کار برده که از نظر لفظی شعر به نثر پیوسته و از جهت معنوی تکمیل کننده نثر است.

نتیجه گیری

از پژوهش حاضر، آنچه را که می توان مدنظر قرار داد و در آن تأمل کرد، دلیل مغایرت برخی از اشعار فردوسی مندرج در تاریخ جهانگشا با شاهنامه است. از آنجا که جوینی نویسنده ای توانا و ادیبی دانا و پرمایه بوده و ساختار ذهن و عناصر فکر و تاروپود اندیشه او بر اساس داستان های منظوم شاهنامه، به خصوص داستان های حماسی و رزمی شکل گرفته است، چنین به نظر می رسد، که اکثریت قریب به اتفاق این تغییرات آگاهانه بوده و وی به تناسب لفظ و به ویژه مضمون داستان های تاریخ جهانگشا و نیز برای نیروبخشیدن به نثر خود و انتقال معنی و بیان مفاهیم، تغییراتی در ابیات شاهنامه پدید آورده است. گاهی نیز به دلیل قرابت، تشابه لفظی و معنایی و تکرار مکرراتی که در شاهنامه وجود دارد، ناخودآگاه در ابیات تغییر و جابه جایی لفظی - البته با حفظ مضمون و ارتباط لفظی و معنوی - رخ داده است. مؤلف تاریخ جهانگشا به نقل صحیح و دقیق اشعار شاهنامه خود را پایبند ندانسته و ظاهراً هدف او بیشتر بیان مطالب و یا توصیف بوده است تا با هنرنمایی و استفاده از شواهد و امثال شعری به زیباترین شکل ممکن، حق مطلب را در بیان وقایع تاریخی دوران مغول و توصیف و تشریح حوادث ادا کند.

منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۰). جام جهان بین، چ پنجم، تهران: جامی.
- جوینی، عطاملک (۱۳۸۵). تاریخ جهانگشا، تصحیح محمد قزوینی، چ چهارم، تهران: دنیای کتاب.
- دیرسیاقی، محمد (۱۳۷۸). کشف الایات شاهنامه، تهران: مدیر.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۲، چ ششم، تهران: فردوس.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹). شاهنامه، تصحیح ژول مول، ج ۳، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۴). شاهنامه، براساس چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، چ دوم، تهران: نشر داد.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- مالمیر، تیمور (۱۳۸۶). پند پنهان شاهنامه، ج ۱، سنندج: دانشگاه کردستان.